

• دریافت ۹۶/۱۰/۱۲

• تأیید ۹۷/۰۶/۱۲

## بازشناسی منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا

### در متون ادبی و تاریخی

ابراهیم رحیمی زنگنه\*

سهیل یاری گلدره\*\*

لیلا رحمتیان\*\*\*

#### چکیده

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی دارای آثار متعدد در نظم و نثر پارسی است که به صورت مجموعه‌ای با ارزش و حجیم باقی مانده است. یکی از این آثار، رباعیاتی است که در کلیات اشعار او تحت عنوان کلیات شمس به چاپ رسیده است. از آنجایی که تنها تصحیح قابل اعتماد دیوان کبیر مولانا از بدیع الزمان فروزانفر مربوط به پنجاه سال پیش است و فراوانی و شیوه خاص مولانا در سرودن اشعار، امکان داخل شدن شعرهایی از دیگران که با نسبت به مولانا در این دیوان وارد شده، فراوان بوده استخراج این اشعار منسوب مورد توجه و نقد بررسی پژوهشگران است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استخراج سی و هشت رباعی از مولانای بلخی از کلیات شمس به تصحیح فروزانفر و به مدد جستجو و بازشناسی بیش از ۴۰ منبع ادبی و تاریخی ثابت کردیم که برخی از این رباعی‌ها از مولانا نیست و پیش از او به افرادی دیگر نسبت داده شده ولی به نام او رقم خورده و باید این رباعیات را از رباعیاتی که سروده مولوی است، جدا کرد. نگارندگان در این پژوهش توانسته‌اند منبع بخشی از رباعیات منسوب به مولانا را پیش و پس از حیات او مشخص کنند.

#### کلید واژه‌ها:

رباعی، رباعیات مولوی، صحت انتساب، بازنگری انتقادی.

erahimi2009@yahoo.com

Sohei.yari6@gmail.com

leilarahmatian66@yahoo.com

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

\*\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

## ۱- پیشگفتار

جزء هشتم از کلیات شمس مولانا، شامل رباعیات او است، که با قید «رباعیات منسوب به مولانا» گردآوری شده است. تعداد این رباعی‌ها به ۱۹۸۳ می‌رسد که به این ترتیب به اعتبار تعداد رباعی، مولوی بعد از عطار بزرگ‌ترین رباعی‌سرا در ادبیات فارسی محسوب می‌شود. اما پاره‌ای از رباعیات که به نام مولوی ثبت شده است، از وی نیست. «به لحاظ قراین سبکی، می‌توان حدس زد که رباعیات منسوب بدو، محصول دوران پختگی و وصول او به جاده عرفان باشد.» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۲۴) مولانا خود در فیه مافیه گفته است: «مرا خوبی است که نخواهم که هیچ دلی از من آزرده شود. اینک جماعتی خود را در سماع بر من می‌زنند و بعضی یاران ایشان را منع می‌کنند. مرا آن خوش نمی‌آید و صدبار گفته‌ام برای من کسی را چیزی مگویند؛ من به آن راضی‌ام. آخر من تا این حد دلدارم که این یاران که به نزد من می‌آیند، از بیم آنکه ملول نشوند، شعری می‌گویم تا به آن مشغول شوند و اگر نه، من از کجا، شعر از کجا! والله که من از شعر بیزارم و پیش من از این بتر چیزی نیست. چه توانم کردن؟ در ولایت و قوم ما، از شاعری ننگ تر کاری نبود. ما اگر در آن ولایت می‌ماندیم، موافق طبع ایشان می‌زیستیم و آن می‌ورزیدیم که ایشان خواستندی؛ مثل درس گفتن و تصنیف کتب و تذکیر و وعظ گفتن و زهد و عمل ظاهر ورزیدن...» (مولوی، ۱۳۹۱: ۳۲) پس می‌توان نتیجه گرفت که مریدان هر شعری را که در میان مجالس درس و یا سماع از مولانا می‌شنیدند بدون اطلاع دقیق از نام سراینده و با توجه به اعتقاد فراوان به مرشد خود به نام او کتابت می‌کردند. همانند این مشکل در مورد عرفای بزرگ دیگر هم موجود بوده است.

بسیاری از عرفا و شاعران ایران‌زمین از ابوسعید ابی‌الخیر تا سعدی و حافظ و خواجه کرمانی در نوع شعری رباعی قلم فرسایی کرده‌اند. رباعی در بین عرفا و صوفیه اهمیت قابل توجهی داشته است. پس از عطار نیشابوری، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۲ ه.ق)، صاحب بزرگ‌ترین مجموعه رباعیات است. رباعیات مولوی مجموعه‌ای جذاب و خواندی و سرشار از افکار بکر و نوین عارفانه و عاشقانه است و خود به تنهایی دیوانی است. «همانگونه که اشاره کرده‌اند، رباعی لیز و لغزان‌ترین گونه شعری به لحاظ صحت انتساب است و این در مورد صوفیه شدیدتر است. صوفیه (امثال ابو سعید و...) به رباعی علاقه مند بودند و در مجالس خود انشاد می‌کردند. اما مریدان همه این رباعیات را به نام آنها ثبت می‌کردند» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۵ و ۸۸)؛ برای نمونه عین سخنان محمد منور صاحب اسرار التوحید را می‌آوریم: «خواجه بوسعید،

آورده است که جماعتی را گمان افتاد که بیت‌هایی که در میان سخن بر زبان مبارک شیخ ما می‌رفته است، او گفته است و نه چنان است که او را چندان استغراق بودی، حالت خود به مشاهده حق که او را پروای تفکر در بیت و در هیچ چیز نبود، در همه عمر او، الا این یک بیت که بر پشت رقعۀ حمزه نوشت و این دو بیت که هم شیخ فرموده است:.... بیش ازین او نگفته است. دیگر هرچه بر زبان او رفته است همه آن بوده است که از پیران خویش یاد داشته است.» (منور، ۱۳۸۸: ج ۱ ص ۲۰۲) اما چنانکه می‌دانیم شاید بیش از پانصد رباعی به وی نسبت داده‌اند که البته با دلایل گوناگونی که این مجال جای بیان آنها نیست، اکثر آن رباعیات از او نیست. در مورد مولانا هم وضعیت مشابهی وجود دارد. بدیع الزمان فروزانفر مصحح کلیات شمس هم معتقد است پاره‌ای از این رباعیات از مولوی نیست: «شک نیست که تمام رباعیاتی که در این منابع ذکر شده از مولوی نیست و شاید در مجالس بر زبان آن بزرگ رفته و مریدان ثبت کرده و سپس دیگران به نام وی ثبت کرده اند» (مولوی، ۱۳۶۳: ج ۸: الف). محمد رضا شفیعی کدکنی هم خاطر نشان کرده که «در این دیوان شمس حجم قابل ملاحظه‌ای از شعرهای دیگران وجود دارد که کار را بر هر پژوهنده ای دشوار می‌کند» (مولوی، ۱۳۶۳: ۴۴). علاوه بر این رباعیاتی به او نسبت داده شده که قبل از قرن هفتم سروده شده است. رباعی ای که در تمهیدات عین‌القضات آمده چطور می‌تواند از مولانایی باشد که یک قرن بعد به دنیا می‌آید؟! ما در این پژوهش به بررسی منابع و نسخ پیش از قرن هفت و برخی از نسخ بعد از قرن هفت پرداخته ایم که هر چند از لحاظ زمانی بعد از تولد مولانا هستند، اما رباعیاتی را شامل می‌شوند که قبل از آغاز شاعرانگی مولانا با سبک و سیاق مخصوص او در شعرهای سروده شده‌اند.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

رباعیات مولانا نسبت به آثار بزرگ و ارزشمند دیگرش، یعنی مثنوی و غزلیات کم تر مورد توجه و عنایت پژوهشگران واقع شده است. در این مورد پژوهش‌های اندکی صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مقالات: «سبک شناسی فکری رباعیات مولانا» از مشهدی و دیگران (۱۳۸۹) این پژوهش برآنست تا درونمایه‌های فکری مولانا را در رباعیات بکاود تا پی برده شود که رباعیات او در عین اشتراک با غزل‌ها و مثنوی‌های مولانا با آنها تفاوت‌های فاحش دارد؛ «مولوی، صوفی ترانه‌گو (بررسی رباعیات مولانا و جایگاه آن در شعر فارسی)» از شعبانی (۱۳۸۹) در این نوشتار رباعیات

مولانا از نظر مضمون آنها بررسی شده است؛ «موسیقی کناری در رباعیات مولانا» از امامی و دیگران (۱۳۹۵) در این جستار، تمام ابتکارات مولانا در بکارگیری ردیف در رباعی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. پایان‌نامه «بررسی و تحلیل جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناختی رباعیات مولانا» از سعاری (۱۳۹۲) در این پژوهش با نگرشی تحلیلی و به شیوه‌ی آماری به جنبه‌های گوناگون هنری رباعیات مولانا نظری دقیق دوخته است و جلوه‌های هنری و زیبایی‌شناختی رباعیات را آشکار ساخته است. اما مقاله، پایان‌نامه و یا کتابی با رویکرد نوشتار حاضر یافت نشد.

### ۱-۲. هدف از پژوهش

در این پژوهش برآنیم که به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد مطالعات کتابخانه‌ای و با بررسی نسخه‌های متعدد پیش از قرن هفتم مشخص کنیم بسیاری از رباعیاتی که در کلیات شمس تصحیح فروزانفر آمده است، نمی‌تواند از مولانا باشد. زیرا همانطور که ذکر شد، همه این رباعیات در حداقل یک منبع پیش از مولانا آمده است. رباعیاتی که در منابع پس از مولانا آمده است، به این دلیل بیان شده که رباعی مذکور در آنجا یا بدون نام مؤلف آمده و یا صراحتاً به کسی دیگر غیر از مولانا منسوب گردیده است. این موارد در متن توضیح داده شده و در ضمن منابع هر رباعی به ترتیب تقدم تاریخی آمده است.

### ۲- بحث اصلی

بی شک مولانا توانایی شاعری خود را در مثنوی و غزلیات به تمامی به رخ کشیده است، اما به لحاظ اختصاصات سبکی و زبانی برخی از رباعی‌هایی که در کلیات است را می‌توان از رباعیات مولانا با زبان و سبک خاص خودش جدا کرد. «مولوی به کسانی چون سنایی و عطار، علاقه فراوان داشته و برخی از داستان‌ها و حکایات و قصص مندرج در مثنوی‌های ایشان را در مثنوی خود به اشکال مختلف آورده است و علاوه بر آنها، آثار دیگر شاعران را کاویده بوده است. گاهی هر رباعی‌ای را که به مذاق خود نزدیک می‌دید، با اندک تغییر و دست کاری در یک مصراع و گاهی یک بیت و حتی شکل کلمات آن، در مجالس سماع و بزم و وجد و حال، بر زبان می‌راند و مریدان آن رباعی را به نام مولانا می‌نوشتند. این مسئله در میان مریدان مولانا مرسوم بوده است. البته این جریان دست کاری و تغییر در عبارت یک رباعی، مربوط به تمامی رباعیات مندرج در دیوان کبیر او نیست» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۲۵). پس به ظن قریب به یقین، می‌توان رباعیات منسوب به او را مشخص کرد و برای اثبات این نظر چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱- تعدادی از این رباعیات در منابع پیشتر و متقدم، به نام دیگران (که اغلب از نظر زمانی یک تا چند قرنی پیش از مولوی زیسته اند) آمده است.

۲- در برخی موارد نویسندگان متقدم این رباعیات را صراحتاً به نام خود ثبت کرده‌اند.

۳- سال استنساخ نسخ اساس تعدادی از این کتب و رسالات، زمانی است که یا مولوی به دنیا نیامده است (مانند نسخهٔ اساس کلیله و دمنه که نوشته به سال ۵۵۱ است که صد و پنجاه سال پیش از تولد مولوی است) یا اینکه وی کودکی بیش نبوده است؛ مثل کتبی چون سوانح غزالی یا تمهیدات عین القضاة و ...). اینک رباعیات مورد پژوهش را بیان می‌کنیم:

۱- خود را به حیل در افکنم مست آنجا تا بنگرم آن جان و جهان هست آنجا  
یا پای رساندم به مقصود و مراد یا سر بنهم همچو دل از دست آنجا

(ش ۳) - نسخه: فذ<sup>[۱]</sup>

(بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۸۰)، (وراوینی، ۱۳۷۶: ۳۵۷)، (افشار، ۱۳۷۸: ۴۸۷)، (سهروردی ۱۳۸۶: ۱۸۰)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۶۱).

۲- از خاک ندیده تیره ایامان را از دور ندیده دوزخ آشامان را  
دعوی چه کنی عشق دلارامان را با عشق چه کار است نکو نامان را

(ش ۳۴) - نسخه‌ها: فذ، چت

(عین القضاة، ۱۳۷۷: ۳۸۲/۲)

۳- با عشق روان شد از عدم مرکب ما روشن ز شراب وصل دایم شب ما  
زان می که حرام نیست در مذهب ما تا صبح عدم خشک نیابی دل ما

(ش ۴۶) - نسخه‌ها: فذ، چت، عد، فاء، مق، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۳)، (عین القضاة، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۱۲)، (میبدی ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۰۸)، (داغستانی،

۱۳۸۳: ج ۱ ص ۹۴ به نام احمد غزالی)، (هدایت ۱۳۸۵: ۵۸)

۴- بی یار نماند آنکه با یار بساخت مفلس نشد آنکه با خریدار بساخت  
مه نور از آن گرفت کز شب نرمید گل بوی از آن یافت که با خار بساخت

(ش ۱۱۵) - نسخه‌ها: فذ، فاء، خب، چت، مق

(وراوینی، ۱۳۷۶: ۴۴۴)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۷۶۸ به نام صدر خجندی ضبط گشته است)

۵- باد آمد و گل بر سر میخواران ریخت یار آمد و می در قدح یاران ریخت

از سنبل تر رونق عطاران برد      زان نرگس مست خون هوشیاران ریخت  
(ش ۱۲۱) - نسخه‌ها: فذ، فا، چت، مق، خب.

(شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۲۵۶)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۷۶۸ به نام مهستی)

۶- عشقی نه به اندازه ما در خور ماست      وین طرفه که بار ما فزون از خرماست  
آنجا که جمال حُسن آن دلبر ماست      ما درخور او نه ایم او درخور ماست  
(ش ۱۵۷) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب

(غزالی، ۱۳۵۹: ۲۱)، (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱ ص ۴۴۰)، (افلاکی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۸۷۹)

۷- در ظاهر و باطن آنچ خیرست و شرست      از حکم حقست و از قضا و قدر است  
من جهد همی کنم قضا می گوید      بیرون ز کفایت تو کاری دگرست  
(ش ۲۲۱) - نسخه‌ها: فذ، چت، فا، مق، خب.

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۴۹: ۸۸)

۸- ما را جز از این زبان زبانی دگرست      جز دوزخ و فردوس مکانی دگرست  
هرچند که جمله شاخ‌ها رقصانند      جنبیدن هر شاخ ز اصلی دگرست  
(ش ۲۳۰) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب، فا.

(عین القضات، ۱۳۷: ج ۱ ص ۲۳۷)، (عین القضات، ۱۳۸۶: ۴)، (منور، ۱۳۸۸: ج ۱ ص ۳۲۹)، (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱ ص ۳۳۱ به اختلاف بیت دوم)، (نجم رازی، ۱۳۸۶: ۵۶ به نام ابو سعید)، (نجم رازی، ۱۳۷۹: ۲۰۲)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۱۹).

۹- ناگه ز درم در آمد آن دلبر مست      جام می لعل نوش کرده، بنشست  
از دیدن و از گرفتن زلف چو شست      رویم همه چشم گشت و چشم همه دست  
(ش ۲۶۴) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(عین القضات، ۱۳۸۶: ۳۵۴)، (عین القضات، ۱۳۷۷: ج ۱ ص ۳۶۶)، (نجم رازی، ۱۳۷۹: ج ۲ ص ۱۱۱۳ به نام عین القضات).

۱۰- تا من بزیم پیشه و کارم این است      آرا م و قرار و غمگسارم این است  
روزم این است و روزگارم این است      صیدم این، صید و شکارم این است  
(ش ۳۱۰) - نسخه‌ها: فذ، چت، عد، مق، خب.

(میبدی، ۱۳۷۱: ج ۸ ص ۵۳۰)

۱۱- عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست      تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست  
اجزای وجود من همه دوست گرفت      نامیست ز من بر من و باقی همه دوست  
(ش ۳۲۵) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، عد، مق، خب.

(اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۲۰۷ مصحح در تعلیقات پس از بیان توضیحات، نوشته است: «انتساب آن به اوحدالدین صحیح تر است»)، (نجم رازی، ۱۳۷۹: ۳۳۹) مرحوم ریاحی در تعلیقات کتاب مذکور ص ۶۴۱ نوشته اند: «به نظر من ضبط رباعی در نسخ ششگانه ما و در رساله عقل و عشق با تصریح به اینکه از مؤلف است، تردیدی در صحت انتساب آن به نجم رازی باقی نمی‌گذارد». (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۹: ۹۷ به نقل از منابع متأخر وارد گشته است).

۱۲- هان ای دل خسته روز مردانگی است      در عشق توام چه جای بیگانگی است  
هر چیز که در تصرف عقل آید      بگذار! کنون نوبت دیوانگی است  
(ش ۳۶۵) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(نجم رازی، ۱۳۷۹: ۲۲۳)

۱۳- با هستی و نیستیم بیگانگیست      وز هر دو بریدنم نه مردانگیست  
گر من ز عجایی که در دل دارم      دیوانه نمی‌شوم ز دیوانگیست  
(ش ۳۶۶) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، مق، خب.

(عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۰۷)

۱۴- آنکس که ز چرخ نیم نانی دارد      وز بهر مقام آشیانی دارد  
نی طالب کس بود نه مطلوب کسی      گو شاد بزی که خوش جهانی دارد  
(ش ۵۰۶) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، مق، خب.

(وراوینی، ۱۳۷۶: ۱۶۴)، (شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۳۰۶)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۱۵).

۱۵- روزی که بود دلت ز جانان پر درد      شکرانه هزار جان فدا باید کرد  
کاندز ره عشق و عاشقی ای سره مرد      بی شکر قفای نیکوان نتوان خورد  
(ش ۵۱۷) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، مق، خب.

(عین القضاة، ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۲۴۳)

۱۶- آن را منگر که ذوفنون آید مرد      در عهد و وفا نگر که چون آید مرد  
از عهده عهد اگر برون آید مرد      از هرچه صفت کنی فزون آید مرد  
(ش ۵۳۵) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، مق، خب.

(سنایی، ۱۳۸۵: ۱۱۳۰)، (منشی، ۱۳۸۵: ۱۰۱)، (بابا افضل، بی تا: ۱۷۲)، (عوفی، ۱۳۸۹: ج ۲ ص ۴۹۲).

۱۷- از لطف تو هیچ بنده نومید نشد      مقبول تو جز مقبل جاوید نشد  
لطفت به کدام ذره پیوست دمی      کان ذره به از هزار خورشید نشد؟  
(ش ۶۱۲) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، مق، خب، عد.

(بابا افضل، ۱۹۰: بی تا)، (اوحد الدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۱۱۰، مصحح در تعلیقات صص ۷-۳۲۶ نوشته‌اند که این رباعی به ابوسعید نسبت داده‌اند)، (نجم رازی، ۱۳۷۹: ۳۹۷، استاد ریاحی در تعلیقات نوشته‌اند که در لطائف الحقائق ۶۳۲/۲ نیز آمده است)، (عوفی، ۱۳۸۶: ج ۲ ص ۱۴۳)، (ابو سعید ابو الخیر، ۱۳۶۹: ۳۱).

۱۸- ز اول که مرا عشق نگارم بر بود      اکنون کم شد ناله و عشقم بفرود  
همسایه من ز ناله من نغود      آتش چو هوا گرفت کم گردد دود  
(ش ۷۵۶) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاه، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۲۳)، (مبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱ ص ۲۴۰)، (اوحد الدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۲۱۴، مصحح در تعلیقات ص ۳۴۵ نوشته است که در سفینه رباعیات از قرن دهم به بابا افضل منسوب گشته و نیز به ابو سعید، با توجه به اینکه در سوانح و کشف الاسرار آمده انتساب آن به ابو سعید از صحت بیشتری برخوردار است و شکی نیست که این رباعی نه از مولوی است، نه از اوحد الدین و نه بابا افضل)، (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۹: ۲۵۵).

۱۹- چون دید رخ زرد من آن شهره نگار      گفتا که دگر به وصلم اومید مدار  
زیرا که تو ضد ما شدی در دیدار      تو رنگ خزان داری و ما رنگ بهار  
(ش ۸۸۲) - نسخه‌ها: چت، مق، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۳۶)

۲۰- من بودم و دوش و آن بت جان افراز      از من همه لابه بود و از وی همه ناز  
شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید      شب را چه گنه حدیث ما بود دراز  
(ش ۹۴۲) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(شروانی، ۱۳۶۶: ۵۴۳، مرحوم ریاحی در پاورقی نوشته‌اند: «این رباعی بسیار معروف را نفیسی جزو رباعیات ابوسعید (ش ۳۳۵) از منابع متأخر نقل کرده، بیت دوم جزو یک رباعی در

دیوان همام تبریزی (ص ۲۴۱) وارد شده و همان بیت در سند باد نامه (ص ۷۵) در اغراض السیاسه (ص ۲۴۴) در نفثه المصدور (ص ۱۱۱) آمده.»

۲۱- اندر طلب دوست همی بشتابم  
عمرم به کران رسید و من در خوابم  
گیرم که وصال دوست در خواهم یافت  
این عمر گذشته را کجا دریابم  
(ش ۱۱۱۹) - نسخه: فذ، چت، مق، خب.

( فرخی، ۱۳۸۵: ۴۴۷)، ( شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۱۷ و ۱۶۲)، (عوفی، ۱۳۸۹: ج ۲ ص ۴۲۹).  
۲۲- گر با دگری مجلس می سازم و لاغ  
ننهم به خدا ز مهر کس بر دل داغ  
لیکن چو فرو شود کسی را خو  
در پیش نهد به جای خورشید چراغ  
(ش ۱۰۵۲) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاء، مق، خب.

(عین القضاة، ۱۳۷۷: ج ۱ ص ۲۲)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۴۸۸).  
۲۳- با همت باز باش و با کبر پلنگ  
زیبا به گه شکار و پیروز به جنگ  
کم کن بر عندلیب طاوس درنگ  
کانجا همه آفتست و اینجا همه رنگ  
(ش ۱۰۷۷) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(سعدسلیمان، ۱۳۶۷: ج ۲ ص ۱۰۲۱)، (ظهیری سمرقندی، ۱۳۴۹: ۳۸)، (عوفی، ۱۳۸۶، ج ۲ ص ۴۲۵)، (یزدی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).  
۲۴- عشقی به کمال و دل ربایی به جمال  
دل پر سخن و زبان ز گفتن شده لال  
زین نادره تر کجا بود هرگز حال  
من تشنه و پیش من روان آب زلال  
(ش ۱۰۸۲) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاء، مق، خب، فا

(غزالی، ۱۳۵۹: ۳۵)، (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۵ ص ۱۶۵)، (وراوینی، ۱۳۷۶: ۴۶)، (هدایت، ۱۳۸۵: ۵۶).  
۲۵- گر من به در سرای تو کم گذرم  
از بیم غیوران تو باشد حذرم  
تو خود به دلم دری چو فکرت شب و روز  
هرگه که تو را جویم در دل نگرم  
(ش ۱۱۸۹) - نسخه‌ها: فذ، چت، فاء، مق، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۴۰ با اندکی اختلاف)  
۲۶- گر ماه شوی بر آسمان کم نگرم  
ور بخت شوی رخت به کویت نبرم  
زین بیش اگر به یک پشیزت بخرم  
فرمای که چون مار به کوبند سرم  
(ش ۱۱۹۴) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(منشی، ۱۳۸۵: ۲۵۷)

۲۷- من بر سر کویت آستین گردانم      نه نه رو که من تو را می دانم  
تو پنداری که من تو را می خوانم      خود رسم من است کاستین جنبانم  
(ش ۱۲۳۰) - نسخه‌ها: چت، مق، خب.

(عین القضا، ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۲۵۰)

۲۸- تا با خودی دوری ار چه هستی با من      ای بس دوری که تو باشد تا من  
در من نرسی تا نشوی با من      اندر ره عشق یا تو باشی یا من  
(ش ۱۴۷۵) - نسخه‌ها: چت، فا، مق، خب، عد.

(مُعزّی، ۱۳۸۹: ۸۱۷)، (سنایی، ۱۳۸۵: ۱۱۱۶)، (عین القضا، ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۸۴).

۲۹- در راه یگانگی چه طاعت چه گناه      در کوی خرابات چه درویش چه شاه  
رخسار قلندری چه روشن چه سیاه      بر کنگره عرش چه خورشید چه ماه  
(ش ۱۵۹۱) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(عین القضا، ۱۳۸۶: ۲۲۸)، (عین القضا، ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۲۲۵).

۳۰- در عشق خلاصه جنون از من خواه      صد واقعه روز فزون از من خواه  
جان رفته و عقل سرنگون از من خواه      صد بادیه پر آتش خون از من خواه  
(ش ۱۵۹۳) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۳۹۰)

۳۱- ای در طلب گره گشایی کرده      از وصل بزاده در جدایی مرده  
ای بر لب بحر تشنه در خواب شده      وی بر سر گنج از گدایی مرده

(ش ۱۶۰۱) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب، فا

(بابا افضل، بی تا: ۱۷۶)، (نسفی، ۱۳۵۹: ۳۱) مصحح نوشته‌اند که استاد فروزانفر انتساب این رباعی به عطار را مرجح دانسته، (عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۴۹)، (شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۲۴۱)، (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۲۵ به نام بابا افضل).

۳۲- ای ماه بر آمدی و تابان گشتی      گرد فلک خویش خرامان گشتی  
چون دانستی برابر جان گشتی      ناگاه فرو شدی و پنهان گشتی  
(ش ۱۶۸۰) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۱۰)، (عین القضاة، افشار، ۱۳۷۸: ۴۸۷ - ۱۳۷۷: ج ۲ ص ۲۱۰)، (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱ ص ۲۸۰)، (شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ج ۱ ص ۲۵۲).

۳۳- بد می کنی و نیک طمع می داری هم بد باشد سزای بد کرداری  
با آنک خداوند کریمست و رحیم گندم ندهد باز چو جو می کاری  
(ش ۱۷۵۳) - نسخه‌ها: فذ، چت، مق، خب.

(منشی، ۱۳۸۵: ۳۳۵)

۳۴- تا چند ز جان مستمند اندیشی تا کی ز جهان پر گزند اندیشی  
آنچ از تو توان ستد همین کالبدست یک مزبله گو مباش، چند اندیشی  
(ش ۱۸۲۸) - نسخه‌ها: فذ، چت، خب.

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۲ ص ۱۰۳۶)، (بابا افضل، بی تا: ۵۷۴ مصححین کتاب نوشته‌اند که در  
آتشکده آذر به سید حسن غزنوی منسوب است)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۵۷۴ منسوب به سید اشرف،  
مرحوم ریاحی در پاورقی نوشته‌اند که این رباعی در دیوان سید حسن غزنوی ص ۳۴۵، در دیوان  
سنایی چاپ مدرس رضوی ص ۸۶۲ و در سخنان منظوم ابوسعید چاپ نفیسی ص ۸۷ (به ردیف  
اندیشه) و در کتاب عبدالقادر اهری (تألیف شده در ۶۲۹) بی‌نام گوینده آمده است).

۳۵- شمع‌یست دل مرد بر افروختنی چاک‌یست ز هجر دوست بر دوختنی  
ای بی خبر از ساختن و سوختنی عشق آمدنی بود نه آموختنی  
(ش ۱۸۸۱) - نسخه‌ها: فذ، چت، عد، خب.

(منور، ۱۳۸۸: ج ۲ ص ۷۹۶ دربارهٔ رباعی مذکور شفیع کدکنی در تعلیقات اسرار التوحید نوشته  
اند: «در روح الارواح سمعانی و کشف الاسرار میبدی و رسالهٔ عشق باخرزی و نامه‌های عین  
القضاة بدون نام گوینده آمده است و در نزهه المجالس و تاریخ گزیده و دیوان سنائی به نام سنایی  
که مسلماً این نسبت نمی‌تواند درست باشد.» (مستوفی، ۱۳۸۷: ۶۶۰)، (نوایی، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

۳۶- گفتم صنمی شدی که جان را وطنی گفتم که حدیث جان مکن گر زمنی  
گفتم که به تیغ حجت‌م چند زنی؟ گفتم که: «هنوز عاشق خویشتی»

(ش ۱۸۸۹) - نسخه‌ها: فذ، چت، خب.

(غزالی، ۱۳۵۹: ۲۹)

۳۷- گفتم صنما مگر که جانان منی  
هرچند بدان جمع تکبر می کرد  
گفتش که تو کمترین غلامان منی  
می داشت طمع که گویمش «آن منی»

(غزالی، ۱۳۵۹: ۵)، (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱ ص ۵۰۸)

(ش ۱۹۰۴) - نسخه‌ها: فذ، چت، خب.

۳۸- ای نسخه نامه الهی که تویی  
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست  
وی آینه جمال شاهی که تویی  
در خود به طلب هر آنچه خواهی که تویی

(ش ۱۹۲۱) - نسخه‌ها: فذ، چت، خب، مق

(بابا افضل، بی تا: ۱۹۵)، (نجم رازی، ۱۳۷۹: ۳)، (نجم رازی، ۱۳۸۶: ۲۹) صراحتاً به نام نجم دایه آمده است.)، (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۰۷) مرحوم ریاحی در حواشی کتاب ص ۱۰۷ آورده است: «این رباعی بسیار معروف را نجم رازی در هر سه کتاب خود: مرصاد العباد و مرموزات اسدی و منارات السائرین صریحاً به نام خود آورده است و قطعاً یا از او یا مرادش مجد بغدادی است. ... به نام مولوی چاپ شده، طبعاً معتبر نیست»، (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۲۶) به نام بابا افضل آمده است که قطعاً غلط است).

### نتیجه

در تصحیح بدیع الزمان فروزانفر از دیوان کبیر رباعیاتی موجود است که از مولانا نیست. پس از پژوهش در منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا در نسخه‌های پیش و پس از حیات او دانستیم که بخشی از رباعیات نقل شده در کلیات شمس تصحیح فروزانفر هرچند در اغلب نسخ مورد استفاده او نیز بوده است، از مولانا نیست. زیرا عین آن رباعیات در آثار قبل از مولانا آمده است. اگر با اتکا به این رباعیات، از مولوی و فکر و زبانش سخن بگوییم، یافته‌های ما نادرست بوده و به بی‌راهه خواهیم رفت. مولانای بلخی دانشمند علوم عرفانی و شعری است. پس اطلاعات بسیار گسترده‌ای در مورد عرفا و شعرای پیش از خود دارد. رباعیات و اشعار بسیاری از آنها در ذخیره دانش‌اش اندوخته است و در خلال درس و سماع این رباعیات را بر حسب حال مجلس بیان می‌کند؛ از سوی دیگر کاتبان که اغلب مریدان او هستند، بدون اطلاع درست از سرایندگان اصلی این رباعیات، آنها را به نام مولانا ثبت کرده‌اند. این پژوهش توانسته با بررسی در ۳۸ مورد از این قبیل رباعیات که در آثار قبل از مولانا موجود است، آنها را از منابع مختلف تاریخی و ادبی

بازشناسی کند و این خود ضرورت بازنگری انتقادی از کل رباعیات منسوب به مولانا را بیش از پیش نشان می‌دهد. با مطالعات دقیق نسخه‌شناسی همانند هدف این پژوهش می‌توان دیگر رباعیات منسوب را هم از رباعیات اصیل مولانا که بیشتر آنها محصول دوران پختگی و وصول او به جاده عرفان است را از رباعیات منسوب جدا کرد تا بتوان قضاوت‌های بهتر و منصفانه‌تری درباره سبک و زبان و دیگر ویژگی‌های رباعیات مولوی ارائه داد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش برای سهولت در بیان مأخذ از علائم اختصاری بهره برده‌ایم. «ش» نشانه شماره رباعی است و علائم اختصاری برای نسخه‌های مورد استفاده استاد فروزانفر بدین قرار است: «عد»: نسخه کتابخانه اسعد افندی - «قو»: نسخه موزه آثار مولانا در قونیه - «چت»: نسخه کتابخانه مستر چستر بی تی - «مق»: نسخه موزه قونیه - «خب»: نسخه کتابخانه بلدیة استانبول - «قح»: نسخه متعلق به کتابخانه گدک احمد پاشا در شهر افیون قره حصار - «خج»: نسخه عکسی متعلق به کتابخانه محمد آقا نخجوانی - «فد»: نسخه موزه قونیه.

### منابع

- ابو الخیر، ابو سعید، (۱۳۶۹)، سخنان منظوم، سعید نفیسی، سنایی، چاپ سوم.
- افشار، ایرج و طاهر، غلامرضا، (۱۳۷۸)، المختارات من الرسائل، بنیاد موقوفات محمود افشار، چاپ اول
- افلاکی، شمس‌الدین، (۱۳۷۵)، مناقب العارفين، تصحیح تحسین یازجی، دنیای کتاب، چاپ سوم.
- انوری (۱۳۷۶)، دیوان، تصحیح مدرس رضوی، ۲ج، علمی، چاپ چهارم.
- اوحدالدین کرمانی، (۱۳۶۶)، دیوان رباعیات، احمد ابو محبوب، سروش، چاپ اول.
- باباافضل محمد مرقی کاشانی، (بی تا)، دیوان، بررسی، مقابله و تصحیح مصطفی فیضی حسن عاطفی و دیگران، اداره فرهنگ و هنر کاشان..
- بقلی، روزبهان، (۱۳۶۶)، عیبر العاشقین، تصحیح محمد معین و هانری کرین، طهوری، چاپ سوم.
- حسینی یزدی، محمد، (۱۳۸۸)، العراضه فی حکایة السلجوقیه، به کوشش مریم میر حسینی، موقوفات بنیاد محمود افشار، چاپ اول
- داغستانی، علیقلی‌واله، (۱۳۸۳)، تذکره ریاض الشعراء، تصحیح سید محسن ناجی نصر آبادی، ۴ج، اساطیر، چاپ اول.
- رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، تذکره ی هفت اقلیم، تصحیح سید محمد رضا طاهری، ۴ج، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- سعد سلمان، مسعود، (۱۳۶۷)، دیوان تصحیح مهدی نوریان، ۲ج، کمال.
- سنائی، (۱۳۸۵)، دیوان، تصحیح مدرس رضوی، سنایی، چاپ ششم.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۶)، عوارف المعارف، ترجمه ی ابو منصور اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، سخن، چاپ چهارم.
- شروانی، خلیل (۱۳۶۶)، نزهة المجالس، تصحیح محمد امین ریاحی، چاپ اول.

- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۷)، مقدمه، گزینش و تفسیر غزلیات شمس تبریز، ۲ ج، سخن، چاپ اول
- شعبانی، محمد رضا (۱۳۸۹)، «مولوی، صوفی ترانه گو (بررسی رباعیات مولانا و جایگاه آن در شعر فارسی)»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۵۶، صص ۲۲-۳۱.
- شمس تبریزی (۱۳۸۵)، تصحیح محمد علی موحد، ۲ ج، طهوری، چاپ سوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، سیر رباعی، تهران: علم، چاپ سوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، انواع ادبی، تهران: میترا، چاپ چهارم.
- ظهیری سمرقندی (۱۳۴۹)، اغراض السیاسه، تصحیح جعفر شعار، دانشگاه تهران.
- ظهیری سمرقندی (۱۳۸۱)، سبندباد نامه، تصحیح محمد باقر کمال الدینی، میراث مکتوب، چاپ اول.
- عطار نیشابوری (۱۳۷۵)، مختار نامه، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم.
- علیشیر نوائی (۱۳۸۳)، تذکره ی مجالس النفاث، به اهتمام علی اصغر حکمت، منوچهری، چاپ اول.
- عوفی، محمد (۱۳۸۶)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تصحیح امیر بانو مصفا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- عوفی، محمد (۱۳۸۹)، لباب الالباب، تصحیح ادوارد برون و تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، هرمس، چاپ اول.
- عین القضاة همدانی (۱۳۷۷)، نامه‌ها، تصحیح علی نقی منزوی و عقیف عسیران، اساطیر، چاپ سوم.
- عین القضاة همدانی (۱۳۸۶)، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، انتشارات منوچهری، چاپ هفتم.
- غزالی، احمد (۱۳۵۹)، سوانح، تصحیح نصر الله پور جوادی، بنیاد فرهنگ ایران.
- فرخی سیستمانی (۱۳۸۵)، تصحیح محمد دبیر سیبایی، زوار، چاپ هفتم.
- مستوفی، حمدا... (۱۳۸۷)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبد الحسین نوائی، امیر کبیر، چاپ پنجم.
- مُعزی (۱۳۸۹)، دیوان، تصحیح عباس اقبال، اساطیر، چاپ اول.
- منشی، نصر ا... (۱۳۸۵)، کليلة و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، امیر کبیر، چاپ بیست و نهم.
- منور، محمد، (۱۳۸۸)، اسرار التوحید، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، آگه، چاپ هشتم.
- مولوی، جلال الدین، (۱۳۶۳)، کلیات شمس، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ۸ ج، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- میدی، (۱۳۷۱)، کشف الاسرار تصحیح علی اصغر حکمت، امیر کبیر، چاپ پنجم.
- نجم الدین رازی (۱۳۸۶)، مرموزات اسدی، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، سخن، چاپ سوم.
- نجم الدین رازی، (۱۳۷۹)، مرصاد العباد، تصحیح محمد امین ریاحی، علمی، چاپ هشتم.
- نسفی، عزیزالدین، (۱۳۵۹)، کشف الحقایق، به اهتمام احمد مهدوی دامغانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نوبی، امیر علیشیر، (۱۳۶۳)، مجالس النفاث، تصحیح علی اصغر حکمت، منوچهری، چاپ اول.
- وراوینی، سعد الدین، (۱۳۷۶)، مرزبان نامه، تصحیح محمد روشن، اساطیر، چاپ سوم.
- هدایت، رضا قلی خان، (۱۳۸۵)، تذکره ی ریاض العارفین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۸۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما، چاپ بیست و هشتم.
- یغمایی، حبیب، (۱۳۴۳)، نمونه نظم و نثر فارسی، تابان، چاپ اول.